

چکیده

هدف: امروزه در آفرینش آثار ادبی، استفاده از دیدگاه‌ها و نحله‌های گوناگون، به ویژه قرار گرفتن محوریت شخصیت و روانشناسی در نویسندگی متون نمایشی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. و به دلیل گستره‌ی پیوند ادبیات و روان‌شناسی، کاویدن آثار ادبی بر مبنای نظریه‌های جدید، شکل تازه‌ای به خود گرفته است. این تحقیق بر آن است که با تکیه بر نظریات کارن هورنای و تحلیل و بررسی شخصیت‌های نمایشنامه‌های هنر و خدای کشتار نوشته‌ی یاسمینا رضا و تحلیل و بررسی تیپ‌های شخصیتی در این نمایشنامه‌ها به اصولی برای شخصیت‌پردازی دست پیدا کند.

روش‌شناسی پژوهش: در این پژوهش به نحوه‌ی شخصیت‌پردازی در دارم بر اساس نظریه‌ی کارن هورنای به روش تحلیل محتوای کمی-کیفی می‌پردازد. جامعه‌ی مورد بررسی در این تحقیق مجموعه‌ای از نمایشنامه‌هایی است که در شخصیت‌پردازی آن از تضادهای درونی استفاده شده است. نمایشنامه‌های (هنر- خدای کشتار) یاسمینا رضا از منظر تضادهای درونی کارن هورنای مورد بررسی قرار می‌گیرند. نمونه‌های مورد پژوهش به صورت هدفمند انتخاب می‌گردند. یعنی انتخاب نمونه بر اساس آگاهی محقق و هدف تحقیق صورت می‌گیرد. موارد مطالعه شامل نمایشنامه‌های یاسمینا رضا خواهد بود که نمونه‌های قابل توجهی از شاخص‌های شخصیت‌پردازی و تضادهای درونی انسان را در خود جای داده است. در این پژوهش گردآوری اطلاعات بر اساس مقوله بندی و کدگذاری داده‌های تحقیق است.

یافته‌ها: نقد و تحلیل نمایشنامه از منظر روانشناسی شخصیت و تقسیم آن به تیپ‌های شخصیتی گوناگون به نویسنده‌ی رادیو کمک می‌کند که بتواند از کلیشه‌های داستان‌پردازی فاصله بگیرد و به درام‌هایی با شخصیت‌های پیچیده‌تر دست یابد.

نتیجه‌گیری: نتایج بدست آمده نشان می‌دهد، میتوان با مطالعه‌ی کنش و تضاد نهفته در آن،

برای پرورش شخصیت های درام رادیویی استفاده کرد و همچنین با مطالعه ی بروز بیرونی شخصیت و رابطه ی گفتار با رفتار میتوان به یک الگو رسید که بتوانیم شخصیت را در تعریف و طبقه بندی بگنجانیم.

کلیدواژه‌ها: شخصیت پردازی - درام رادیویی - تضادهای درونی - یاسمینا رضا

